

۱- تذکره نصرآبادی: محمدطاهر نصرآبادی، به کوشش: احمد مدقق یزدی، یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۷۹، وزیری، ۱۰۱۲ ص.

۲- تذکره نصرآبادی: محمدطاهر نصرآبادی، به کوشش: محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۸، وزیری، ۲ جلد، ۱۳۱۰ ص.

\* \* \*

یکی از انواع تذکره‌های پارسی، تذکره‌های عصری است که تنها آثار و احوال شعرای همزمان صاحب تذکره در آن می‌آید و یکی از تذکره‌های عصری سودمند، بی‌گمان تذکره نصرآبادی است. به جرأت می‌توان گفت: تذکره نصرآبادی از اعظام تذکره‌های شعرای فارسی و محمدطاهر نصرآبادی از اکابر تذکره‌نویسان ادب پارسی است و این مهم به دو دلیل میسر شده است:

نخست: سخت‌کوشی، پیگیری و دلبستگی نصرآبادی برای سامان دادن تذکره‌ای جامع و همه‌نگر، دوم: حُسن‌گزینش، وسواس و نکته‌سنجی گردآورنده در گزینش اشعار و گردآوردن بیشترین و درست‌ترین آگاهی‌ها درباره شاعران.

نصرآبادی همچون دیگر نویسندگان نامور زمان خود، جامع علوم ادبی، لغوی، دیوانی و علمی عصر خود بوده است که در دوران طلایی تاریخ و فرهنگ اصفهان در آن سامان پرورش یافته است.

گردآوردن چنین مجموعه سترگی که دربردارنده شرح حال و اشعار صدها سخنور از گوشه و کنار ایران باشد، حتی با سنجش معیارهای امروزی که ارتباطات آسان‌تر و مآخذ فراوان‌تر است، کاری بس دشوار می‌نماید، و بی‌گمان اگر همت این دانشمند نبود، تاریخ

و ادب ایران به ویژه در عصر صفوی، حلقه‌ای مقفوده و بی‌گرافه بدون جایگزین داشت... چونان که استاد گرانما به دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی نیز بر این باور است.

«این کتاب که یکی از مراجع بسیار مهم تاریخ اجتماعی، فرهنگی، هنری و ادبی ایران عصر صفوی است، همواره به عنوان سندی معتبر در قلمرو اینگونه مطالعات، مورد استفاده محققان ایرانی و خاورشناسان جهان بوده است»<sup>۱</sup>.

در اهمیت این تذکره همین بس که سرگذشت و نمونه اشعار نزدیک به هزار سخنور پارسی زبان را در بر دارد و از این رو می‌توان جامع‌ترین و سودمندترین تذکره پارسی نامش نهاد. وی گردآوری تذکره را از سال ۱۰۷۷ ق آغاز کرده و ظاهراً تا سال ۱۰۹۰ ق به این کار مشغول بوده است (با فرض این که تواریخ ۱۱۱۰ تا ۱۱۱۵ ق مندرج در نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، الحاقی است). نصرآبادی با پشتکاری مثال‌زدنی و پس از تلاش‌های چندین ساله و با روش نوین، تذکره را در یک دیباچه، پنج صف و دو دفعه سامان داده است.

نصرآبادی به غیر از تذکره، کتاب‌های دیگری نیز داشته که نشان از ذوق و استعداد این دانشی مرد عصر صفوی می‌دهد که هم شاعری نکته‌بین و هم ادیبی نکته‌پرداز بوده است. مشهورترین آثار وی عبارتند از: «گل رعنا»، «گلشن آرا»، «گلشن خیال»، «مثنوی»، «مکتوبات»، «منتخباتی از دیوان صائب»، «شاهنامه فردوسی» و «مثنوی مولوی» و «متنشات».

اکنون و پس از این پیش‌درآمد ناگزیر، نخست به نقد و بررسی تذکره نصرآبادی می‌پردازیم که به کوشش آقای احمد مدقق یزدی چاپ شده است.

کتاب پس از پیش‌گفتار و ادای دین، یادداشتی کوتاه به‌خامه استاد دکتر شفیعی کدکنی زینت بخش خود دارد. سپس دیباچه یا «گفتاری کوتاه درباره فرهنگ و

ادب عصر صفوی» آغاز می‌شود و پس از آن به ترتیب مباحث زیر آمده است:

تذکره نصرآبادی و اهمیت آن / نسخه‌های تذکره نصرآبادی / منابع و مآخذ تذکره نصرآبادی / تذکره نصرآبادی از دیدگاه نقد ادبی / ارزش‌های تذکره نصرآبادی / زندگینامه محمدطاهر نصرآبادی / ذیل تذکره نصرآبادی / آثار محمدطاهر نصرآبادی / معرفی نسخه‌ها و مزیت چاپ حاضر و روش تصحیح / کتابشناسی محمدطاهر نصرآبادی.

کوشنده در این دیباچه ۷۵ صفحه‌ای انصافاً نکته‌ای را فرو نگذاشته و تا آنجا که در توانش بوده، تقریباً کلیه منابع و متون ادبی؛ تاریخی عصر صفوی را از نظر گذرانده و برای تکمیل شرح حال نصرآبادی و دیگر مباحث تمامی منابع ممکن را دیده و سنجیده است، و تنها در مبحث نخست: «گفتاری کوتاه...» به ناگزیر و به اختصار برگزار کرده است و گرنه عصر صفوی را با این کوتاه‌گفتار نمی‌توان شناساند.

چنانکه فهرست مآخذ گواهی می‌دهد، کوشنده به منابع فراوانی دسترسی داشته اما با نکته‌سنجی آنها را گزیده و پرداخت کرده و در دسترس خواننده نهاده است. خواننده در این دیباچه به نکات و دقایقی آگاه می‌شود که بدان اشاره می‌گردد:

۱- نسخه اساسی، نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد بوده که به تصریح بسیاری از پژوهشگران، بهترین و جامع‌ترین نسخه موجود تذکره است که به امضا و تأیید مؤلف کتاب رسیده است و با سه نسخه: ملک، دانشگاه تهران (تربیت) و دیوان هند مقابله شده است.

۲- تذکره نصرآبادی، علی‌رغم جامعیت خود، بدون اشتباه نیست که به موارد فراوانی از آن در دیباچه (ص هفده - هجده) اشاره شده است.

۳- نخستین بار زنده‌یاد حسن وحید دستگردی [در سال ۱۳۱۷] رخ از چهره این عروس هزار نقش گشوده است. و با پشتکاری درخور آن را به جامعه فرهنگی و

حسین مسرت

# دو تصحیح از تذکره نصرآبادی

حتی یک شاعر درجه پنج گمنام هم ندارد، یعنی در طول مدتی که رودکی و فردوسی و منوچهری و فرخی و ناصر خسرو و مسعود سعد و سنایی و خیام به شاعری پرداخته‌اند، از اصفهان و شیراز، اولین و دومین مهد شعر و ادب عصر صفوی، حتی یک شاعر هم نداریم.

پاسخ دادن به این پرسشها هزاران نکته باریک‌تر از موی را در تاریخ فرهنگ ما مطرح خواهد کرد و محققان به حل آن مشکلات و یافتن پاسخهای علمی برای آن خواهند کوشید. مطرح کردن پرسش معقول، کم‌تر از یافتن پاسخ برای آن نیست.

بگذریم کمترین بهره‌ای که از این گونه فهارس، محققان خواهند داشت این گونه فواید علمی و فرهنگی است.

درین چاپ، از صفحه ۸۳۳ تا ۱۰۱۲ به فهارس گوناگون اختصاص یافته و این فهرست‌ها عبارت‌اند از: فهرست اعلام رجال، فهرست اماکن، فهرست کتاب‌ها، فهرست تخلصهای شاعران، فهرست شاعران دو تخلصی، فهرست پراکندگی شاعران از نظر جغرافیایی، فهرست شعرایی که زادگاه آنها معلوم نیست، فهرست قبایل و طوایف و فهرست مشاغل و مناصب و فهرست حوادث و وقایع مهم و بیماری‌های رایج و فهرست اشعار به زبان‌های محلی و فهرست لغات و ترکیبات و فهرست ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌ها و فهرست عمومی نسخه بدل‌ها.

هم زمان با نشر این چاپ، باید یادآور شوم که چاپ بسیار خوب دیگری هم از نصرآبادی انتشار یافته است به همت آقای محسن ناجی نصرآبادی (انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۷۸ در دو جلد ۱۳۱۰ صفحه + یک صد و هفت) چاپ آقای ناجی نیز از امتیازات بسیار مهمی برخوردار است. بسیاری فهارس این دو چاپ به هم نزدیک است ولی در چاپ آقای ناجی نصرآبادی فهرستی از تمام شعرهای موجود در این کتاب نیز فراهم

شده است و خواننده با یک نگاه می‌تواند شعر مورد نظرش را پیدا کند و این فایده بسیار بزرگی است و امتیازی است که چاپ آقای ناجی نسبت به چاپ آقای مدقق دارد و نیز ضمایمی که از آقای نصرآبادی همراه چاپ آقای ناجی آمده است ارزشمند است، از قبیل «گلشن خیال» و «گل رعنا» و چند عدد از منشآت او.

اینها همه بجا، اما در عوض تنوع فهرست‌ها و دقت در تهیه متن و استفاده درست و علمی از مقایسه نسخه‌ها و آوردن اختلافات نسخه‌ها در پای صفحه، در چاپ آقای مدقق بسی دقیق‌تر و عملی‌تر است. از یک نگاه تصادفی که من در بعضی صفحات داشتم متوجه نقص‌هایی در چاپ آقای ناجی نصرآبادی شدم که ممکن است فقط همین موارد باشد و می‌تواند در سراسر کتاب مصادیق بیشتری داشته باشد، مثلاً در صفحه ۴۱۴ در قرائت این دو بیت:

بسکه جهان تیرگی اندود شد

آب در آینه گل آلود شد

تخم درین خاک می‌فشان دلیر

دانه به دهقان کشد از خوشه تیر

که برای حفظ عروض شعر، باید «مِفْشان» ضبط می‌شد که معنای هم نهی است (یا به قول امروزی‌ها امر منفی) ولی در ضبط آقای ناجی «می‌فشان» هم وزن شعر را خراب کرده و هم معنی آن را تبدیل به عکس کرده است که در چاپ مدقق صفحه ۴۴۳ به صورت درست نقل شده است. یا این عبارت در صفحه ۳۶۲: «غزل از میرعین علی مسموع تشده بود. این دو بیت را به خط میرشوقی به اسم او دیده شد.» که در چاپ مدقق صورت درست آن آمده است، بدون «را» (صفحه ۳۸۳) یا در صفحه ۵۴۷ مشکول کردن کلمه [نه] هم وزن را خراب کرده است و هم معنی را. شاعر در توصیف عمارتی که در سقف آن نقاشی به سبک فرنگیان داشته

گفته است:

به سقفش نه تصویر کار فرنگ

مسیحاً ز غیرت تهی کرده قالب

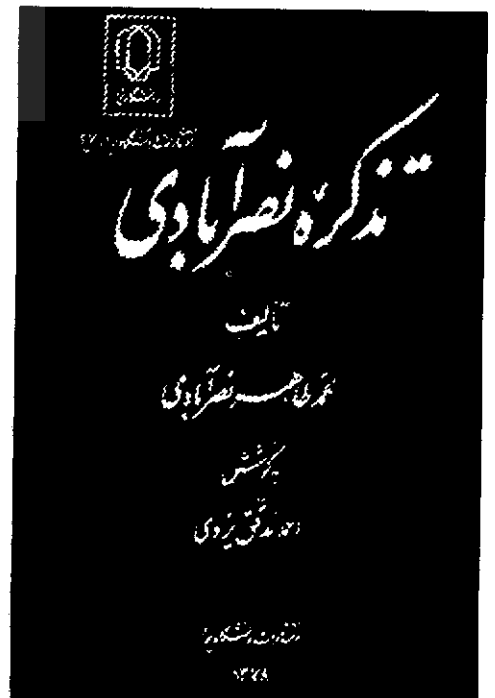
آقای ناجی آن را [نه = ۹] مشکول کرده‌اند در صورتی که همان [نه] علامت نفی درست است تا هم وزن شعر (بحر متقارب) محفوظ بماند و هم مقصود شاعر که می‌خواهد بگوید: آن نقش‌های روی سقف، تصویر کار فرنگ نیست، بلکه حضرت مسیح از فرط شگفتی بیهوش شده است و قالب تهی کرده. ضمناً در متن چاپ مدقق «ز حیرت تهی کرده قالب» آمده و در پاورقی «ز غیرت» که درستی متن مدقق جای تردید نیست (صفحه ۵۸۹) ضمناً در چاپ آقای نصرآبادی نسخه بدلی هم اصلاً داده نشده است. بر روی هم آقای نصرآبادی در ضبط نسخه بدل‌ها توجه چندانی مبذول نداشته‌اند.

حق این است که هر دو مصحح کوشا در احیاء نصرآبادی زحمت بسیار کشیده‌اند و سعی هر دو تن مشکور است. داورى نهایی در باب امتیازات هر یک از این دو چاپ به حوصله محققان در آینده بستگی خواهد داشت.

#### پانویس:

\* از آنجا که در تعیین مصداق «نسبت» ممکن است سلیقه‌ها یکسان نباشد، این آمار ممکن است در ارقامی که دارد تفاوت حاصل کند. مثلاً در فهرست آقای ناجی نصرآبادی نسبت انتساب شاعران به این ده شعر چنین است: اصفهان ۱۴۹، شیراز ۶۳، تبریز ۵۷، کاشان ۴۷، بخارا ۳۸، قم ۳۲، یزد ۳۰، مشهد ۲۸، همدان ۲۶، لاهیجان ۲۲ ولی شهرهای اصلی همچنان در ردیف خود قرار دارند: اصفهان و شیراز و تبریز ولی کاشان و بخارا جایگاهشان عوض می‌شود و نیز جای قم و یزد و جای مشهد و همدان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تألیف محمد طاهر نصرآبادی

به کوشش احمد مدقق یزدی

انتشارات دانشگاه یزد، چاپ اول، ۱۳۷۹

۳- ذیل نام برخی شهرها به نام شعرای آن محل برنمی‌خوریم: ابرقو: میرغیاث‌الدین و هادی میرزا، اردبیل: میرزا کافی و محمد کاظم بزرگ، و اردستان: افضل اردستانی...

۴- در فهرست کتاب‌ها و رساله‌ها، نام‌های زیر دیده نمی‌شود:

بحرالنفوس، تذکره الشعرا (میر تقی کاشی)، خسرو شیرین (میرزا جعفر) سوانح محاصره قلعه و...

۵- در فهرست اماکن و نواحی، کاستی‌های زیر دیده می‌شود:

آقاجر، اله آباد، ادرکیو، اروس، ازویر قهپایه، استیر سبزواری، امامزاده قیس علی، امامزاده میرمحمد، ایروان، ایزدخواست...

۶- فهرست قبایل و طوایف کاستی بسیار دارد. مثلاً: اتراک، اتراک بخارا، اتراک سلجوقی، آرامنه، افغان، امامیه و اوزبک...

۷- در فهرست مشاغل و مناصب کاستی‌های زیر دیده می‌شود:

ادونچی‌باشی، اطبا، بخشیان، بُندار، بنکدار و...

۸- در فهرست لغات و ترکیبات علی‌رغم جامعیتی که نسبت به چاپ ناجی دارد، برخی کاستیها دیده می‌شود، مثلاً: آب انبار، آتشک جهنم، آدمی صفت، ابیات ابدار، ابیات بی‌نسبت، ابیات بلند، اجاره برف، ارباب التماویل، اسب جهانیدن، اسرار مخفی، اصول اوفر، اصول روانی، اصول سماعی، افشان نقره، افیون، الیجه، اواسط الناس و اوایق...

۹- تذکره فاقد فهرست ابیات است.

«تصحیح ناجی نصرآبادی»

اکنون می‌پردازیم به تذکره نصرآبادی تصحیح آقای محسن ناجی نصرآبادی و به مزایا و کاستی‌های آن اشاره می‌شود:

کتاب پس از فهرست تفصیلی دراز دامن که بسیار راهگشا و کارگشاست، مقدمه‌ای بسیار کوتاه به قلم مصحح در توضیح تذکره دارد (که کاش به جای آن مقاله‌ای در اهمیت تذکره‌ها می‌آمد). پس از آن به ترتیب مباحث زیر آمده است:

نصرآبادی و خاندان او / آثار و نگاشته‌های نصرآبادی / ویژگی‌ها و امتیازات تذکره / مأخذ و منابع نصرآبادی در نگاشتن تذکره / نسخه‌های خطی تذکره. کوشنده در این دیباچه ۱۰۷ صفحه‌ای به فراخور مباحث، به نکات و مواردی اشاره کرده است که خواننده

را هرچه بهتر به جایگاه و پایگاه نصرآبادی و تذکره او در بین دیگر کتب و در عرصه ادب فارسی آشنا می‌کند. نگرشی گذرا بر مباحث کتاب ما را با نکات زیر آگاه می‌کند:

الف - نصرآبادی و خاندان او: بر پایه متن تذکره و چند منبع دیگر، خواننده با خانواده‌اش و نیز ویژگی‌های فکری و روحیات اخلاقی، اجتماعی و فلسفی آشنا می‌شود.

ب - آثار و نگاشته‌های نصرآبادی: کوشنده با تحقیقی جامع که در فهرست‌های نسخه‌های خطی نموده است، به آثار فراوانی از نصرآبادی برآورده است که با توضیحاتی مختصر به عرض خوانندگان رسانده است.

پ - ویژگی‌ها و امتیازات تذکره: آقای ناجی در ده مبحث زیر، این بخش سودمند و گسترده را در چهل صفحه سامان داده است:

جغرافیای تاریخی و شهری / یادکرد مناصب اداری و دولتی / مشاغل (شهر آشوب) / خطاطان و اصطلاحات ایشان / اساتید و دانشمندان در تذکره / درویشان و پسندهای اجتماعی ایشان / نقد ادبی و اصطلاحات آن / موسیقی و اصطلاحات آن / طنز و مزاح در آن دوره / معما، لغز و ماده تاریخ و فواید آن / آگاهی‌های دیگر / اطلاعات کتابداری و نسخه‌شناسی / لغات، ترکیبات و اصطلاحات کمیاب.

ت - مأخذ و منابع نصرآبادی: که به اعتقاد کوشنده، شامل شنیده‌های مستقیم، درخواست شعر از شاعران، توجه به دیوان و گزینش اشعار آنها، مجموعه‌ها و نقل قول‌هاست.

ث - نسخه‌های خطی تذکره - کوشنده، تذکره را بر مبنای سه نسخه وزیری (نسخه اساس و پایه)، نسخه دانشگاه تهران (تربیت) و مجلس شورای اسلامی سامان داده است و برای بهره‌وری از نسخه خطی ملک، از چاپ وحید بهره برده است و چنانچه اشاره خواهد شد از دهها نسخه دیگر این تذکره بی‌خبر بوده است.

متن تذکره از صفحه ۱ آغاز شده و تا ص ۷۹۲ ادامه دارد و چنانکه روشن است هرچند کوشنده نسخه خطی وزیری یزد را اساس قرار داده، اما در مواردی اندک که متن دو نسخه دیگر را بهتر یافته به جایگزینی آن در متن اصلی مبادرت کرده است.

پس از آن ذیل تذکره الشعرا نصرآبادی که شرح

حال و اشعار ۱۶ شاعر کهکیلیویه‌ای را دارد به نقل از نسخه خطی دانشگاه تهران درج شده است.

بخش بسیار سودمند کتاب، چاپ دیگر آثار نصرآبادی شامل گلشن خیال، گل رعنا، منشآت، اشعار پراکنده و مرآت‌الجمال است که با توضیحی در معرفی نسخه‌های آن و چند و چون دستیابی بدان آغاز می‌شود و از مزایای این تصحیح است.

چاپ دو مقاله از ایرج افشار با عناوین: اطلاعات کتابداری و نسخه‌شناسی و چند لغت و ترکیب و تعبیر و اصطلاح کمیاب در تذکره نصرآبادی دیگر اقدام نویسنده است.

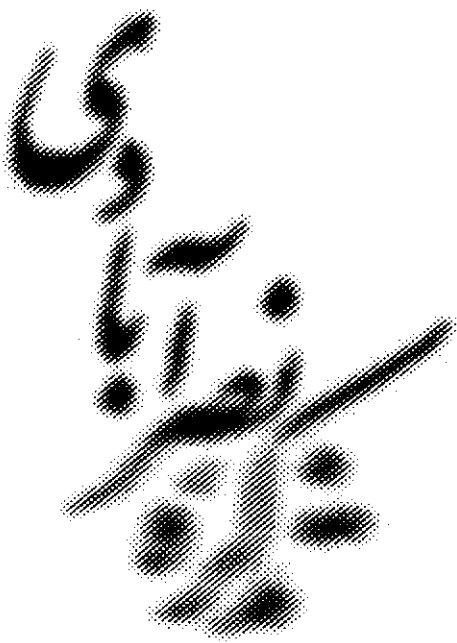
پایان بخش این متن، درج یادداشت‌های بسیار کوتاهی از متن تذکره است که در این باره اشاره خواهد شد. (ص ۹۰۱ تا ۹۱۴)

پایان بخش کتاب (ص ۹۱۵ تا ۱۳۱۰)، چاپ فهرست‌های ۱۲ گانه زیر است که به غیر از برخی فهرست‌های خاص که در نوع خود بسیار پرزحمت است، در مقایسه با تصحیح آقای احمد مدقق کاستی‌ها و افزونی‌هایی دارد که اگر فهرست‌های مشترک دو تصحیح را می‌شد در هم ادغام کرد، می‌توان گفت فهرست‌های بسیار کامل و رسایی هستند. فهرست‌ها به قرار زیر است:

نام کسان / نام شعرا بر مبنای جای‌ها / تخلص‌ها / نام کتاب‌ها / ابیات و مصراع‌ها / جای‌ها / طایفه‌ها و فرقه‌ها / مشاغل و مناصب / ماده تاریخ‌ها / الغاز / معنیات / لغات و ترکیبات. که فهرست‌های: ابیات و مصراع‌ها، جای‌ها، ماده تاریخ‌ها، الغاز، و معنیات، خاص این تصحیح است.

### کاستی‌های مشترک دو تصحیح

اکنون که به چند و چون و مزایا و کاستی‌های دو تصحیح نامبرده اشارت شد، به نکات و مواردی اشاره



می‌شود که در هر دو تصحیح به چشم می‌خورد و یا رفع آن می‌توان به تصحیحی آرمانی و بسامان از این تذکره دست یافت.

اگر مصححین محترم به اشتباهاتی که روانشادان دکتر ذبیح‌الله صفا و احمد گلچین معانی در کتاب‌های: تاریخ ادبیات در ایران، تاریخ تذکره‌های فارسی و کاروان هند و نیز مواردی که آقای دکتر سیدعلیرضا نقوی در کتاب تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان یادآور شده‌اند، نیم‌نگاهی می‌انداختند، می‌توانستند با اطمینان بیشتر و بهتری گزینه درست را از این نسخه‌ها برگزینند و اگر در این میان نگاهی هم به دیگر تذکره‌های هم‌عصر نصرآبادی می‌انداختند، می‌توانستند از این رهگذر به اطلاعات درست‌تر و کامل‌تری دست یابند.

مثلاً دکتر نقوی در کتاب تذکره‌نویسی فارسی یادآور می‌شود که خوشگو در سقیفه خود، ذیل شرح حال برخی شعرا همچون: طاهر حکیم سعید، میکرفری، علی دانش جاوید، حسین آشوب، سیدمرتضی رضی و [قدسی مشهدی] اشتباهات نصرآبادی را گوشزد کرده است. یا زنده‌یاد گلچین معانی در دوره دوجلدی کاروان هند، ذیل الهی شیرازی (حکیم صدرالدین شیرازی) می‌نویسد: «در تذکره نصرآبادی نیز نام صحیح او در حاشیه و نام غلط (ضیاء‌الدین) در متن آمده و او را کاشانی تصور کرده است.» (ج ۱: ۹۴)

همو ذیل بزمی، اشاره به این دارد که نصرآبادی سه بیت از غزل وی را اشتباهاً به نام مخفی رشتی ثبت کرده است (ج ۱: ۱۶۷) و ذیل حسنعلی یزدی توضیح داده که نام وی در تذکره اشتباهاً حسینعلی آمده است. و آقای مدقق نیز با آنکه در پاورقی به نقل از نسخه‌های ملک و هند نام درست وی را حسنعلی آورده، اما آن را به متن وارد نکرده است. (ص ۲۲۹) در جای دیگر اشاره به اشتباه نصرآبادی در شرح حال دیری کاشانی دارد. (ج ۱: ۴۲۰) و در جای دیگر سخن از آمیخته شدن ترجمه و شعر ذهنی یزدی و کاشی به وسیله نصرآبادی دارد. (ج ۱: ۴۲۹) و الخ...

همچنین است بیان این اشتباهات به وسیله زنده‌یاد گلچین معانی در حواشی تذکره میخانه از جمله ذیل شرح اسیری (ص ۳۱۷)، محمد مؤمن عزتی (ص ۶۴۱)، طالب آملی (ص ۸۲۴)، شرمی (ص ۳۱۷) و نیز اشارات زنده‌یاد دکتر صفا در تاریخ ادبیات ایران که به عنوان نمونه ذیل طالب آملی می‌آورد، که نصرآبادی در

یک جا ابوطالب کلیم را به جای طالب آملی نشانده است، یا ذیل فیاض لاهیجی می‌نویسد: «دیوانش را نصرآبادی به اشتباه دوازده هزار بیت نوشته است.» (ج ۵: ۱۳۳۰) و یا در شرح سرخوش کشمیری می‌آورد: «وی برخلاف قول نصرآبادی، لاهوری نیست.» (ج ۵: ۱۳۳۷) آقای محمد مدقق با آنکه در دیباچه خود (ص هفده - هجده) به نمونه‌هایی از این اشتباهات به نقل از دکتر صفا و دیگران اقدام کرده است، اما نه در متن و نه در تعلیقات آن را توضیح نداده است.

تصحیح‌های نامبرده به غیر از محاسن و مزایای فراوانی که دارند و در جای خود بدان اشاره شد، بزرگترین کاستی آنها در فقدان بخش یادداشت‌ها و تعلیقات است. (در تصحیح ناجی تنها چند مورد آمده است) که اگر به چنین کاری مبادرت می‌شد، می‌توانستیم تصحیح‌های حاضر را در حد دانشنامه کاملی از تاریخ، فرهنگ و ادب عصر صفوی قلمداد کنیم. بدین ترتیب که کوشندگان با افزودن دو بخش زیر می‌توانستند به چنین مهمی دست یابند:

۱- تعلیقات شعرای متن: شامل آگاهی‌های تکمیلی که در دیگر تذکره‌ها و کتاب‌های ادبی موجود است و به ناگزیر از دسترس نصرآبادی دور بوده است، به ویژه این کار در بحث شعرای «مجهول‌المکان» کاری بس پسندیده بود.

۲- تعلیقات اعلام متن: شامل افزودن اطلاعات تاریخی درباره هر کدام از اشخاص و مکان‌هایی که نامشان در این تذکره آمده است. پرواضح است انجام چنین کاری، زمانی حداقل دو ساله را می‌طلبید که بی‌گمان چاپ این تذکره را به چند سال آینده موکول می‌کرد. دیگر آنکه انجام چنان کاری در حد ذیلی بر تذکره نصرآبادی خواهد بود، در کتابی و جلدی مستقل. چنانکه نگارنده این سطور اخیراً و از خلال فهرست‌های نسخه‌های خطی ایران و جهان و نیز اطلاعات شفاهی بررسی نموده است، ۲۴ نسخه خطی از این تذکره وجود دارد که قدیمی‌ترین آن متعلق به کتابخانه ملی پاریس و به تاریخ ۱۰۸۲ ق است.<sup>۳</sup>

دیگر نسخه‌ها به ترتیب زمانی، متعلق به کتابخانه‌های زیر است:<sup>۴</sup>  
مجلس شورای اسلامی، وزیری یزد، ملی تهران، موزه بریتانیا، دانشگاه تهران، لیدرینا، خدابخش هند، ادنبرگ، برلین، بادلیان، ملک تهران، مجلس شورای اسلامی (نسخه دوم) موزه بریتانیا (نسخه دوم)، موزه

ملی پاکستان، کلکسیون آسیایی در بنگال کلکته، دیوان هند، موزه سالار جنگ، مولانا آزاد هند، پادشاهان اود، بانک پور، شخصی تاجمیر ریاحی در اصفهان، شخصی ادیب برومند در تهران و آستان قدس رضوی. کوشندگان نه تنها از تمامی این نسخه‌ها بهره نبرده‌اند، بلکه در معرفی نسخه‌ها هم بدان اشاره نکرده‌اند.

در بخش شعرایی که زادگاه آنان روشن نیست، کوشندگان می‌توانستند با رجوع به رایج‌ترین فرهنگ شعر، یعنی فرهنگ سخنوران خیام‌پور، به زادگاه آنان پی ببرند، هرچند ذیل شرح آنها در متن تذکره نصرآبادی هم تا اندازه‌ای می‌شد به چنین موضوعی دست یافت. به عنوان نمونه زادگاه چند شاعر ذیل، با کمک همان فرهنگ شناخته می‌شود:

ابراهیم ادهم [بلخی]، اسکندر بیگ منشی [ترکمان]، حاتم بیگ [اردوبادی]، حسن واهب [اصفهانی]، حیدرعلی فیاض [اردبیلی]، حیدر کلوج [هرروی]، خواندمیر [هرروی]، ملارکنی [نیشابوری]، سراجا [گلپایگانی]، سگ‌لوند [قزوینی]، صادق دستغیب [شیرازی]، فارغا [اصفهانی]، قاسم کاهی [کابلی]، کریم [شیرازی]، کلامی [اصفهانی]، لطیف [اصفهانی]، محمد مسعود زککش [اصفهانی]، مقیم فوجی [نیشابوری] و نصیب رازی [ری].

\* \* \*

در پایان ذکر این نکته بایسته می‌نماید که از چندین سال پیش آقای دکتر سیدمحمد دامادی - استاد دانشگاه تهران - مشغول تصحیح این تذکره بر پایه نسخه‌ای منحصر که در اختیارشان بوده است، هستند. ایشان با نگاهی تحلیلی و انتقادی و از دیدگاه ادبی، اجتماعی به تصحیح آن مبادرت کرده است. باشد که هم چشمان به دیدن این چاپ روشن شود و هم آقایان ناجی نصرآبادی و مدقق یزدی با درنگی دوباره به تکمیل مقدمه‌ها و پایانه‌ها و فهرست‌های خود اقدام کنند.

- ۱- تذکره نصرآبادی، چاپ احمد مدقق، دیباچه.
- ۲- چاپ وحید دستگردی براساس دو نسخه خطی کتابخانه ملک و دانشگاه تهران (تربیت) است.
- ۳- بنگرید به: فهرست کتابخانه ملی پاریس، ج ۲: ۳۲۲-۳۲۱.
- ۴- در این باره بنگرید به مقاله «کتابشناسی محمدطاهر نصرآبادی»: حسین مسرت، مندرج در یادنامه آیت‌الله مرعشی به کوشش محمداسفندیاری، زیرچاپ ۱۳۷۹.